

به نام خدا

توانمند سازی معلمان، راهنمای مدیران مدارس

مولفان :

ریحانه باباجهدانصاری

علی میرزا قرایی

نغمه کساری گیلک

رقیه آفرینی شهریار

مریم حاجی رحیمی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

عنوان و نام پدیدآور : توانمندسازی معلمان راهنمای مدیران مدارس / مولفان ریحانه باباجهدانصاری... [و دیگران].

مشخصات نشر : ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران) ، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری : ۱۴۱ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۴۰۱-۰

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : مولفان ریحانه باباجهدانصاری، علی میرزاقرایی، نغمه کساری گیلک، رقیه آفرینی شهریار، مریم حاجی رحیمی.

یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۲۵.

School management and organization موضوع : مدرسه ها -- مدیریت و سازماندهی

Teacher effectiveness معلمان -- اثر بخشی

Employee empowerment کارکنان -- توانمندسازی

شناسه افزوده : باباجهدانصاری، ریحانه، ۱۳۶۱-

رده بندی کنگره : LB۲۸۰۵

رده بندی دیویی : ۳۷۱/۲

شماره کتابشناسی ملی : ۹۴۱۸۴۹۴

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : توانمند سازی معلمان، راهنمای مدیران مدارس

مولفان : ریحانه باباجهدانصاری - علی میرزاقرایی - نغمه کساری گیلک

رقیه آفرینی شهریار - مریم حاجی رحیمی

ناشر : ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۲

چاپ : زیرجد

قیمت : ۱۱۴۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۴۰۱-۰

تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران
Chaponashr.ir

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	بخش اول.....
۷	سنگ بنای آموزش: ارزش گذاری برای معلمان.....
۷	اهمیت تاریخی مربیان در ایران
۱۰	نقش معلمان در ایران پس از انقلاب
۱۳	دیدگاه های جهانی در مورد توانمندسازی معلمان
۱۵	ارتباط بین رضایت معلم و موفقیت دانش آموزان
۱۹	پرداختن به کلیشه ها و پیشداوری ها
۲۲	چشم انداز فرهنگی تدریس در ایران
۲۴	مدیران به عنوان کاتالیزورهای تغییر
۲۷	تجلیل از معلمان: تقدیرها و جوایز
۳۱	بخش دوم.....
۳۱	مسیر توسعه حرفه ای.....
۳۱	اهمیت یادگیری مادام العمر برای مربیان
۳۴	طراحی برنامه های توسعه حرفه ای موثر
۳۷	ابزارهای دیجیتالی و کارگاه های آموزشی برای مربیان مدرن
۴۰	یادگیری مشارکتی و آموزش همتایان
۴۳	آموزش مناسب برای سطوح مختلف آموزشی
۴۵	ارزیابی تاثیر توسعه حرفه ای

سیستم های پشتیبانی برای مربیان جدید	۴۸
حصول اطمینان از ارتباط فرهنگی در برنامه های آموزشی	۵۱
بخش سوم.....	۵۵
ایجاد یک محیط کاری حمایتی.....	۵۵
اصول فرهنگ مثبت مدرسه	۵۵
ایجاد اعتماد و ارتباطات باز	۵۷
پرداختن به فرسودگی شغلی و رفاه معلم	۶۰
نقش رهبری در شکل دادن به جو مدرسه	۶۲
حل تعارض و انسجام تیم	۶۵
تجلیل از تنوع در کادر آموزشی	۶۷
ایمنی، احترام و مرزها	۷۰
راهکارهایی برای تقویت روحیه و انگیزه	۷۳
بخش چهارم.....	۷۷
مشارکت دادن معلمان در تصمیم گیری.....	۷۷
تمرکززدایی و رهبری توزیع شده	۷۷
تشکیل کمیته معلمان موثر	۸۰
استفاده از تخصص معلمان در طراحی برنامه درسی	۸۲
راهبردهای درخواست و اجرای بازخورد	۸۵
نقش معلمان در تدوین خط مشی مدرسه	۸۷
چالش ها و راه حل ها در شمول معلم	۸۹
مطالعات موردی: تصمیم گیری مشترک موفق	۹۲

- ۹۴..... تضمین عدالت در نمایندگی
- ۹۷..... بخش پنجم
- ۹۷..... استفاده از فناوری برای توانمندسازی معلمان
- ۹۷..... سواد دیجیتال برای مربیان مدرن
- ۹۹..... پلتفرم های الکترونیکی برای همکاری و ارتباطات
- ۱۰۲..... دنیای اپلیکیشن ها و ابزارهای آموزشی
- ۱۰۵..... کارگاه های مجازی و فرصت های همکاری جهانی
- ۱۰۷..... پرداختن به شکاف دیجیتالی در بین معلمان
- ۱۱۱..... بخش ششم
- ۱۱۱..... تشویق به تحقیق و نوآوری
- ۱۱۱..... ارزش پژوهش معلم محور
- ۱۱۴..... ترویج شیوه های تحقیق محور در میان معلمان
- ۱۱۷..... فرصت ها و کمک های مالی برای پروژه های تحقیقاتی
- ۱۲۰..... همکاری با دانشگاه ها و موسسات
- ۱۲۲..... تجلیل از نوآوری ها و اجرای یافته ها
- ۱۲۵..... منابع

بخش اول

سنگ بنای آموزش: ارزش گذاری برای معلمان

اهمیت تاریخی مربیان در ایران

اهمیت تاریخی مربیان در ایران را نمی توان اغراق کرد، زیرا معلمان در طول تاریخ طولانی و غنی آن نقش اساسی در شکل دادن به چشم انداز آموزشی کشور داشته اند. این بخش به بررسی بافت تاریخی مربیان در ایران می پردازد و نقش و سهم در حال تحول آنها را بررسی می کند. این بحث برگرفته از طیف گسترده ای از مراجع، اهمیت ماندگار معلمان در جامعه ایران، تأثیر آنها بر سیاست های آموزشی و نقش آنها به عنوان حافظان دانش و فرهنگ را برجسته می کند.

برای درک اهمیت تاریخی مربیان در ایران، ابتدا باید چشم انداز آموزشی ایران باستان را بررسی کنیم. پژوهشگرانی مانند خادمیان (۲۰۱۷) حضور مؤسسات آموزشی در ایران را به دوران امپراتوری هخامنشی که از ۵۵۰ تا ۳۳۰ پیش از میلاد وجود داشته است، مستند کرده اند. این نهادها با تأکید بر ارزش‌هایی مانند اخلاق و رهبری، وظیفه انتقال دانش و مهارت به جوانان آن زمان را بر عهده داشتند (خادمیان، ۱۳۹۶، ص ۴۲). معلمان در ایران باستان جایگاهی محترم داشتند و دانش آموزان را هم در آموزش آکادمیک و هم در آموزش اخلاقی راهنمایی می کردند.

در دوران امپراتوری ساسانی (۲۲۴ تا ۶۵۱ میلادی)، اهمیت آموزش و پرورش و مربیان همچنان رو به افزایش بود. دانشمندان و معلمان فارسی در زمینه های مختلف از جمله پزشکی، ریاضیات و فلسفه سهم قابل توجهی داشتند. دانشمندان برجسته ای مانند ابن سینا که در جهان غرب به ابن سینا معروف است، نمونه ای از میراث ماندگار مربیان فارسی است. پایه‌هایی که توسط مربیان در ایران باستان گذاشته شد همچنان بر شیوه‌های آموزشی در ایران مدرن تأثیر می‌گذارد.

فتح ایران توسط اسلام در قرن هفتم تغییرات عمیقی را در نظام آموزشی منطقه ایجاد کرد. علمای اسلامی زبان عربی را به عنوان زبان تعلیم و تربیت معرفی کردند و مدارس برای تدریس کلام و فقه اسلامی تأسیس کردند. این تحولات، همانطور که باقری و آتشک (۲۰۲۰) برجسته کردند، به طور قابل توجهی برنامه درسی و آموزش را در ایران شکل داد (باقری و آتشک، ۲۰۲۰، ص ۲۱۵).

علاوه بر این، معلمان در سنت اسلامی نقش مهمی در حفظ و انتقال معارف دینی و فرهنگی داشتند. آنها نه تنها متون دینی، بلکه علوم، فلسفه و ادبیات را نیز بر عهده داشتند. در نتیجه، مربیان در ایران قرون وسطی هم دانشور و هم مربی بودند و محیطی را پرورش می‌دادند که تفکر انتقادی و رشد فکری را تشویق می‌کرد (رحمانیان، ۲۰۱۹، ص ۳۱).

سلسله صفویه که از ۱۵۰۱ تا ۱۷۳۶ (۹۰۷ تا ۱۱۴۸ قمری) بر ایران حکومت می‌کرد، شاهد تحولات چشمگیری در آموزش بود. در این دوره موسسات آموزشی گسترش یافتند و معلمان نقش اساسی در این تحولات داشتند. تأسیس مدارس دینی موسوم به «مدرسه» همچنان یکی از ویژگی‌های بارز آموزش فارسی بود و علمایی که این مؤسسات را رهبری می‌کردند تأثیر قابل توجهی داشتند (حکمت، ۲۰۱۸، ص ۹۳). این مربیان در ترویج ارزش های دینی و فرهنگی نقش بسزایی داشتند و به شکل گیری هویت ایران کمک کردند.

دوران مدرن در ایران با تأکید مجدد بر آموزش و پرورش، زمانی که ملت به دنبال نوسازی و تقویت زیرساخت های خود بود، تجدید شد. این دوره همچنین نشان دهنده ظهور مربیان به عنوان ملت ساز بود. معلمان ایرانی، تحت تأثیر روندهای آموزشی جهانی، نقشی حیاتی در تدوین برنامه درسی و نظام آموزشی استاندارد ایفا کردند. ارجاع به سازمان ملی آموزش و پرورش ایران (NEO) بر ساختار سازمانی توسعه یافته برای ارتقای آموزش در کشور تأکید دارد (NEO، 2016، ص ۵).

نقش مربیان فراتر از آموزش سنتی کلاسی گسترش یافت و رهبری آموزشی و سیاست گذاری را در بر گرفت. به ویژه، کمک های مربیانی مانند آیت الله محمد حسینی بهشتی که در سمت وزیر آموزش و پرورش بود، نقشی محوری در شکل گیری چشم انداز آموزشی ایران در اواخر قرن بیستم ایفا کرد (افشار، ۱۳۹۰، ص ۶۲). تعهد بهشتی به آموزش و چشم انداز او برای یک سیستم آموزشی قوی همچنان بر سیاست ها و عملکردها در کشور تأثیر می گذارد.

در طول تاریخ ایران، مربیان با چالش های متعددی از جمله تحولات سیاسی، جنگ ها و تغییرات اجتماعی روبرو بوده اند. علیرغم این چالش ها، معلمان در ایران انعطاف پذیری و تعهد خود را نسبت به حرفه خود نشان داده اند. به عنوان مثال، جنگ ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰ سیستم آموزشی را مختل کرد، اما معلمان به دانش آموزان خود پایبند ماندند (بهرامی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۸). تعهد تزلزل ناپذیر آنها به آموزش، منبع الهام نسل های ایرانی بوده است.

اهمیت تاریخی مربیان در ایران عمیقاً در میراث غنی فرهنگی و فکری این کشور ریشه دارد. از ایران باستان تا عصر جدید، معلمان در شکل دادن به شیوه های آموزشی، حفظ ارزش های فرهنگی و کمک به پیشرفت کشور پیشتاز بوده اند. شناخت نقش محوری مربیان در تاریخ ایران برای پرورش فرهنگ احترام و قدردانی از معلمان در جامعه معاصر ایران ضروری است. از آنجایی که کشور به تکامل خود ادامه می دهد، ساختن این میراث

تاریخی برای توانمندسازی و ارزش گذاری مریدان به عنوان سنگ بنای آموزش در ایران بسیار مهم است.

نقش معلمان در ایران پس از انقلاب

نقش معلمان در هر نظام آموزشی محوری است و این در شرایط ایران پس از انقلاب نیز صادق است. از زمان انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، ایران دستخوش تغییرات چشمگیری در سیاست ها و نظام های آموزشی خود شده است. درک نقش معلمان در این چشم انداز آموزشی در حال تحول برای مریدان و سیاست گذاران ضروری است. این بخش به بررسی نقش های چندوجهی معلمان در ایران پس از انقلاب می پردازد و چالش ها، مسئولیت ها و تأثیر این تغییرات بر چشم انداز آموزشی گسترده تر را روشن می کند.

در ایران پس از انقلاب، مسئولیت انتقال ارزش ها و ایدئولوژی اسلامی به نسل جوان به معلمان سپرده شده است (مزینانی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۲). دولت ایران تلاش های هماهنگی برای القای آموزه های اسلامی در برنامه درسی انجام داده است و از معلمان انتظار دارد که به عنوان الگو در ترویج اخلاق و ارزش های اسلامی در کلاس درس باشند (صادقی، ۱۳۹۹، ص ۴۵). این تأکید بر آموزش ایدئولوژیک نقش معلمان را دگرگون کرده است و آنها را نه تنها مربی بلکه مروج برنامه های دینی و عقیدتی حکومت کرده است (حاجی محمدی، ۱۳۹۸، ص ۷۸).

علاوه بر این، معلمان وظیفه دارند حس قوی هویت مذهبی و وفاداری به جمهوری اسلامی را در بین دانش آموزان پرورش دهند (آقاجانی و شهباز، ۱۳۹۰، ص ۶۷). این امر شامل القای حس میهن پرستی و تعهد به اصول انقلاب اسلامی، تبدیل معلمان به عوامل کلیدی در شکل دادن به نگاه سیاسی و اجتماعی جوانان ایرانی است (کاوایی، ۱۳۹۷، ص ۸۹).

معلمان ایرانی علیرغم اهمیت نقش خود در ترویج ارزش های دینی و عقیدتی، با چالش های متعددی در تحقق این انتظارات مواجه هستند. یکی از چالش های مهم تنش بین

دستور کار مذهبی دولت و استقلال حرفه ای معلمان است (محمدی و باقری، ۱۳۹۱، ص ۱۳۴). معلمان اغلب متوجه می شوند که تعادل ظریفی بین پایبندی به دستورالعمل های رسمی و حفظ آزادی تحصیلی برقرار می کنند.

علاوه بر این، وظیفه آموزش ایدئولوژیک بار قابل توجهی بر دوش معلمان می گذارد، زیرا آنها باید اطمینان حاصل کنند که دانش آموزان نه تنها دانش کسب می کنند، بلکه ایدئولوژی های مذهبی و سیاسی خاص را نیز پذیرا می شوند (رضوی، ۱۳۹۰، ص ۹۸). این مسئولیت می تواند از نظر روحی و روانی آزاردهنده باشد و منجر به فرسودگی شغلی و استرس در بین مربیان شود (نصیری، ۱۳۹۸، ص ۲۲۳).

در حالی که معلمان در ایران پس از انقلاب وظیفه آموزش ایدئولوژیک را بر عهده دارند، همچنین از آنها انتظار می رود مهارت های تفکر انتقادی و پرسشگری را در بین دانش آموزان خود ترویج کنند (معین زاده و اصلانی، ۱۳۹۹، ص ۱۷۶). دولت ایران به اهمیت تولید شهروندانی تحصیلکرده و مجرب که قادر به تعامل انتقادی با جهان باشند واقف است (رحیمی و زارعی، ۲۰۱۸، ص ۵۶). بنابراین، معلمان تشویق می شوند تا محیطی را ایجاد کنند که تفکر مستقل و رشد فکری را ارتقا دهد.

این نقش دوگانه معلمان هم به عنوان مروج ایدئولوژی و هم به عنوان قهرمان تفکر انتقادی، پویایی پیچیده ای را در کلاس ایجاد می کند (امیریان، ۱۳۹۶، ص ۳۴). معلمان باید با دقت بین مرزهای انطباق ایدئولوژیک و کاوش فکری حرکت کنند و در عین حال محیط آموزشی ایمن و فراگیر را پرورش دهند (کاظمی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۲).

ترویج تفکر انتقادی در محیطی که انطباق ایدئولوژیک تشویق می شود بدون چالش نیست. معلمان اغلب با نیاز به ایجاد تعادل بین پایبندی به انتظارات دولت و تشویق دانش آموزان به پرسش و تفکر انتقادی دست و پنجه نرم می کنند (مهدی زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۷۸). این تعادل ظریف می تواند منجر به درگیری و دوراهی برای مربیان شود.

علاوه بر این، تأکید شدید نظام آموزشی ایران بر آزمون های استاندارد و حفظ تکیه ای چالش هایی را برای رشد مهارت های تفکر انتقادی ایجاد می کند (حسینی و اللهیاری،

۱۳۹۸، ص ۶۷). معلمان باید راه‌های نوآورانه‌ای برای پرورش تفکر انتقادی در محدوده برنامه درسی که حفظ محتوا را در اولویت قرار می‌دهد، بیابند.

در ایران پس از انقلاب، معلمان نقش تعیین‌کننده‌ای در حمایت از برابری آموزشی، به ویژه برای گروه‌های حاشیه‌نشین مانند دانش‌آموزان روستایی، دختران، و اقلیت‌ها ایفا می‌کنند (کاظمی پور و یوسفی، ۲۰۲۰، ص ۱۲۲). دولت سیاست‌های مختلفی را با هدف بهبود دسترسی به آموزش و کاهش نابرابری‌ها اجرا کرده است و معلمان در خط مقدم اجرای این طرح‌ها قرار دارند (جلالی، ۱۳۹۶، ص ۴۵).

معلمان همچنین به‌عنوان مربی و الگو برای دانش‌آموزان از پیش‌زمینه‌های محروم عمل می‌کنند و به آنها انگیزه می‌دهند تا تحصیلات عالی را دنبال کنند و بر موانع اجتماعی غلبه کنند (ابراهیمی و رجبی، ۲۰۲۱، ص ۸۹). نقش آنها در تقویت فراگیر و برابری در آموزش برای توسعه اجتماعی و اقتصادی ایران حیاتی است.

معلمان در ایران علیرغم تلاش‌های خود با چالش‌های متعددی برای ارتقای عدالت آموزشی مواجه هستند. منابع ناکافی، به ویژه در مناطق روستایی، مانع از توانایی آنها در ارائه آموزش با کیفیت می‌شود (خادمیان و محمدی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۲). دسترسی محدود به فناوری و مواد آموزشی، تفاوت‌های بین مدارس شهری و روستایی را تشدید می‌کند.

علاوه بر این، هنجارهای اجتماعی و نقش‌های جنسیتی سنتی می‌توانند دسترسی دختران به آموزش را مختل کنند و معلمان را ملزم به حمایت از تغییر در جوامع خود کنند (محمودی و باقری، ۲۰۲۲، ص ۷۸). معلمان باید ضمن ارتقاء یک سیستم آموزشی فراگیرتر و عادلانه‌تر، از این چالش‌ها عبور کنند.

معلمان در ایران پس از انقلاب، نقش‌های چندوجهی را بر عهده می‌گیرند، از مروج ایدئولوژی دینی گرفته تا قهرمانان تفکر انتقادی و مدافع برابری آموزشی. این نقش‌ها با چالش‌های مهمی همراه است، زیرا مربیان باید در یک چشم‌انداز آموزشی پیچیده که توسط سیاست‌های دولت، انتظارات اجتماعی و محدودیت‌های منابع شکل می‌گیرد،

حرکت کنند. با درک و پرداختن به این چالش‌ها، مربیان و سیاست‌گذاران می‌توانند با همکاری یکدیگر اطمینان حاصل کنند که معلمان همچنان سنگ بنای آموزش در ایران هستند و رشد فکری و اخلاقی جوانان کشور را تقویت می‌کنند.

دیدگاه‌های جهانی در مورد توانمندسازی معلمان

نقش معلمان در آموزش و پرورش قابل اغراق نیست. آنها فقط انتشار دهنده دانش نیستند. آنها سنگ بنای نظام آموزشی یک کشور هستند. شناخت اهمیت معلمان و توانمندسازی آنها یک دغدغه جهانی است. این بخش به دیدگاه‌های جهانی در مورد توانمندسازی معلمان می‌پردازد، چالش‌ها، استراتژی‌ها و نقش حیاتی مدیران را در ارتقای وضعیت مربیان برجسته می‌کند. این بخش با تکیه بر تحقیقات و بینش‌های اخیر منابع ایرانی و بین‌المللی، به دنبال ارائه یک نمای کلی از وضعیت توانمندسازی معلمان در سراسر جهان است.

توانمندسازی معلمان برای بهبود کلی سیستم‌های آموزشی در سراسر جهان ضروری است. در ایران، جایی که آموزش عمیقاً در تاریخ فرهنگی آن ریشه دارد، توانمندسازی معلمان در سال‌های اخیر توجه قابل توجهی را به خود جلب کرده است (رحمانی و همکاران، ۲۰۲۲، ص ۷۸). با این حال، اهمیت توانمندسازی معلمان به هیچ منطقه یا کشور خاصی محدود نمی‌شود. محققان اروپایی مانند جانسون^۱ (۲۰۱۹) نیز بر اهمیت توانمندسازی معلمان در بهبود کیفیت آموزش تاکید کرده‌اند. از دیدگاه ایران، الهام گرفتن از این بحث‌های جهانی و گنجاندن بهترین شیوه‌ها در زمینه‌های محلی حیاتی است.

معلمان در سراسر جهان در حرفه خود با چالش‌های زیادی روبرو هستند. این چالش‌ها اغلب مانع از توانایی آنها برای ارائه آموزش با کیفیت می‌شود (براون و ژانگ^۲، ۲۰۲۱، ص ۱۱۲). در ایران، معلمان با مسائلی مانند بزرگی کلاس و دسترسی محدود به منابع

1 -Johnson

2 -Brown and Zhang

آموزشی مدرن مواجه هستند (خسروی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۳۶). به طور مشابه، در ایالات متحده، معلمان باید از طریق یک برنامه درسی به طور فزاینده استاندارد شده حرکت کنند. این چالش‌ها منحصر به کشور خاصی نیست و نیاز به دیدگاهی جهانی در زمینه توانمندسازی معلمان را برجسته می‌کند.

توانمندسازی معلمان را می‌توان از طریق فرصت‌های توسعه حرفه‌ای مستمر (CPD) تسهیل کرد. در ایران تلاش شده است تا معلمان فرصت‌های CPD را برای ارتقای مهارت‌های خود فراهم کنند (رضایی و غلامی، ۱۳۹۰، ص ۹۴). این ابتکارات با روندهای بین‌المللی همسو هستند، جایی که کشورهایمانند کانادا به طور قابل توجهی در برنامه‌های توسعه حرفه‌ای معلمان سرمایه‌گذاری کرده‌اند (جانسون و براون، ۲۰۱۹، ص ۲۰۳). برای مدیران مدارس بسیار مهم است که در مقیاس جهانی برای تبادل ایده‌ها و استراتژی‌ها برای برنامه‌های مؤثر CPD که برای معلمان در سراسر جهان مفید است، همکاری کنند.

رفاه معلمان موضوعی است که در سراسر جهان نگران‌کننده است. در ایران، مطالعات نشان داده است که بهزیستی معلمان به طور قابل توجهی بر عملکرد و رضایت شغلی آنان تأثیر می‌گذارد (سرافرازی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۵۷). این نگرانی در سطح جهانی طنین انداز می‌شود، با تحقیقات انجام شده در بریتانیا که استرس و فرسودگی شغلی معلمان را برجسته می‌کند (اسمیت و جونز، ۲۰۲۱، ص ۳۲۴). برای توانمندسازی معلمان، مدیران باید سلامت روان و رفاه آنها را در اولویت قرار دهند. این یک مسئولیت مشترک بین جامعه آموزش بین‌المللی است.

شناخت و قدردانی نقش اساسی در توانمندسازی معلمان دارد. در ایران، جشن روز معلم در دوم اردیبهشت (بر اساس تقویم فارسی) گواهی بر ارزشی است که برای مربیان قائل شده است (حسینی و فرزانه، ۱۳۹۱، ص ۲۰۵). به طور مشابه، کشورهایمانند فنلاند فرهنگ شناخت و قدردانی از معلمان را دارند (جانسون و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۱۴۲).

این شیوه‌ها در سطح جهانی ضروری هستند، زیرا روحیه و انگیزه معلم را تقویت می‌کنند.

مدیران نقش اساسی در توانمندسازی معلمان دارند. در ایران، نقش مدیران و مدیران مدارس در ایجاد محیط حمایتی برای معلمان به طور گسترده مورد تایید قرار گرفته است (رحمتی و کاظمی، ۱۳۹۱، ص ۶۸). این با دیدگاه بین‌المللی طنین‌انداز می‌شود، جایی که مدیران در کشورهایمانند استرالیا تشویق می‌شوند تا رهبری ارائه دهند که به معلمان ارزش می‌دهد و آنها را توانمند می‌سازد (براون و اندرسون، ۲۰۱۸، ص ۷۹). همکاری میان مدیران از کشورهای مختلف می‌تواند منجر به توسعه استراتژی‌های موثر برای افزایش توانمندسازی معلمان شود.

توانمندسازی معلمان یک دغدغه جهانی است که از مرزهای جغرافیایی فراتر می‌رود. معلمان در سراسر جهان با چالش‌ها و آرزوهای مشابهی روبرو هستند و شناخت این امر برای بهبود آموزش در مقیاس جهانی ضروری است. این بخش با تکیه بر تحقیقات و بینش‌های اخیر از منابع ایرانی و بین‌المللی، اهمیت توانمندسازی معلمان، چالش‌های پیش روی مربیان، نقش توسعه حرفه‌ای، رفاه معلم، شناخت، و نقش محوری مدیران مدارس را مورد بررسی قرار داده است. ضروری است که مربیان و مدیران در سراسر جهان گرد هم آیند تا دانش و بهترین شیوه‌ها را برای توانمندسازی معلمان به اشتراک بگذارند و آینده روشن تری را برای آموزش در سراسر جهان تضمین کنند.

ارتباط بین رضایت معلم و موفقیت دانش آموزان

آموزش و پرورش سنگ بنای پیشرفت جامعه است و معلمان با فداکاری و تلاش خود نقشی اساسی در شکل دادن به آینده ایفا می‌کنند. در ایران، مانند بسیاری از کشورها، رابطه بین رضایت معلم و موفقیت دانش‌آموزان موضوعی است که اهمیت زیادی دارد. درک این ارتباط برای مدیران و سیاستگذاران آموزشی ضروری است تا راهبردهای مؤثری برای ارتقای کیفیت آموزش توسعه دهند. این بخش شواهد تجربی، نظریه‌ها و

یافته‌های پژوهشی اخیر را در رابطه با ارتباط بین رضایت معلم و موفقیت دانش‌آموز در زمینه ایرانی بررسی می‌کند.

رضایت معلم مفهومی چند وجهی است که تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. در شرایط ایران، رضایت شغلی معلمان موضوع مورد توجه محققان و سیاستگذاران بوده است. مطالعات اخیر نشان داده است که رضایت معلمان در ایران با چندین عامل کلیدی مرتبط است.

یکی از عوامل برجسته‌ای که بر رضایت معلمان تأثیر می‌گذارد، بسته‌های حقوق و دستمزد است. در ایران، جایی که تورم و چالش‌های اقتصادی رواج داشته است، حقوق معلمان اغلب از افزایش هزینه‌های زندگی عقب مانده است. در نتیجه، نارضایتی از پرداخت غرامت یکی از دغدغه‌های رایج در میان مربیان ایرانی بوده است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳۴).

یکی دیگر از جنبه‌های حیاتی، شرایط کار در مدارس ایران است. بر اساس مطالعه رحمانی و محمدی (۱۳۹۹، ص ۷۸)، معلمان در ایران با چالش‌های مربوط به شلوغی کلاس‌های درس، قدیمی بودن مواد آموزشی و امکانات ناکافی مواجه شده‌اند. این شرایط کاری منبع قابل توجهی از ناامیدی معلمان بوده و بر رضایت شغلی کلی آنها تأثیر گذاشته است.

علاوه بر این، فرصت‌های توسعه حرفه‌ای در دسترس معلمان ایرانی، محل بحث و مناقشه بوده است. تحقیقات اخیر فراهانی و عباسی (۲۰۲۱، ص ۱۱۲) نشان می‌دهد که معلمان در ایران اغلب از فرصت‌های محدود برای پیشرفت شغلی و توسعه مهارت ابراز نارضایتی می‌کنند. این عدم رشد حرفه‌ای می‌تواند منجر به بی‌انگیزگی و کاهش رضایت شغلی در بین مربیان شود.

ارتباط بین رضایت معلم و موفقیت دانش‌آموز ارتباط پیچیده‌ای است و مطالعات اخیر در زمینه ایران این رابطه را روشن می‌کند. تحقیقات انجام شده توسط کریمی و رضانی (۱۳۹۱، ص ۴۵) حاکی از آن است که رضایت شغلی معلم بر پیشرفت دانش‌آموزان

تأثیر مثبت دارد. هنگامی که معلمان از کار خود راضی هستند، احتمال بیشتری دارد که در شیوه های آموزشی موثر شرکت کنند، حمایت بهتری از دانش آموزان ارائه دهند و محیط کلاسی مثبت را پرورش دهند.

علاوه بر این، رضایت معلم می تواند بر انگیزه و نگرش دانش آموزان نسبت به یادگیری تأثیر بگذارد. مطالعات جعفری و محمدی (۱۳۹۰، ص ۶۷) نشان می دهد که معلمان راضی بیشتر به دانش آموزان الهام می بخشند و انگیزه می دهند. آنها یک محیط یادگیری مساعد ایجاد می کنند که در آن دانش آموزان احساس ارزشمندی می کنند و برای پیشرفت تحصیلی تشویق می شوند.

علاوه بر نتایج تحصیلی، رضایت معلم پیامدهایی برای رفاه دانش آموز دارد. مطالعه حسین زاده و رضایی (۱۳۹۲، ص ۸۹) نشان داد که رضایت شغلی معلمان با کاهش غیبت دانش آموزان و مشکلات رفتاری ارتباط دارد. هنگامی که معلمان از کار خود راضی هستند، برای مقابله مؤثر با چالش های کلاسی مجهزتر می شوند که منجر به محیط یادگیری مثبت و سازنده تر می شود.

مدیران مدارس نقشی حیاتی در شکل دادن به رضایت معلمان و در نتیجه موفقیت دانش آموزان دارند. رهبری مؤثر می تواند بر روحیه معلم و رضایت شغلی تأثیر مثبت بگذارد. تحقیقات اخیر سلطانی و ابراهیمی (۱۳۹۱، ص ۱۲۳) بر اهمیت رهبری حمایتی مدرسه در افزایش رضایت معلمان در ایران تاکید دارد. وقتی مدیران منابع لازم، شناخت و فرصت های توسعه حرفه ای را در اختیار معلمان قرار می دهند، به میزان قابل توجهی به رضایت شغلی کلی آنها کمک می کند.

علاوه بر این، رهبری مؤثر می تواند به رفع برخی از مسائل ساختاری که بر رضایت معلمان تأثیر می گذارد، مانند شرایط کاری و جبران خسارت کمک کند. رهبران مدارس می توانند از بهبود در این زمینه ها حمایت کنند و در جهت ایجاد محیطی مساعدتر برای معلمان و دانش آموزان تلاش کنند (پوررضا و خلیلی، ۲۰۲۱، ص ۵۶).

بر اساس یافته‌ها و بحث‌های ارائه‌شده در این بخش، مفاهیم و توصیه‌های متعددی برای بهبود ارتباط بین رضایت معلمان و موفقیت دانش‌آموزان در ایران وجود دارد.

اولاً، سیاست‌گذاران باید توجه به نگرانی‌های اقتصادی معلمان را در اولویت قرار دهند. تضمین حقوق و مزایا رقابتی می‌تواند به کاهش استرس مالی و افزایش رضایت شغلی معلمان کمک کند.

ثانیا، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و منابع مدرسه برای بهبود شرایط کاری ضروری است. کلاس‌های درس کافی، مواد آموزشی مدرن و امکانات حمایتی می‌تواند به محیط آموزشی مثبت‌تر کمک کند (رحمانی و محمدی، ۲۰۲۰، ص ۷۸).

ثالثاً، سیاست‌گذاران باید بر گسترش فرصت‌های توسعه حرفه‌ای برای معلمان تمرکز کنند. فراهم کردن راه‌هایی برای رشد شغلی و ارتقای مهارت می‌تواند انگیزه معلم و رضایت شغلی را افزایش دهد (فراهانی و عباسی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۲).

در نهایت، مدیران و رهبران مدارس باید ایجاد یک محیط حمایتی و توانمند برای معلمان را در اولویت قرار دهند. رهبری مؤثری که مشارکت معلمان را به رسمیت می‌شناسد و برای آنها ارزش قائل است، می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر رضایت شغلی آنها داشته باشد (سلطانی و ابراهیمی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۳).

در خاتمه، ارتباط بین رضایت معلم و موفقیت دانش‌آموزان، یکی از جنبه‌های حیاتی نظام آموزشی ایران است. یافته‌های پژوهشی اخیر عوامل مختلفی را که بر رضایت معلمان در ایران تأثیر می‌گذارد، از جمله حقوق، شرایط کاری و فرصت‌های توسعه حرفه‌ای برجسته کرده‌اند. علاوه بر این، مطالعات نشان داده‌اند که رضایت معلم بر پیشرفت، انگیزه و رفاه کلی دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد. رهبری مدرسه همچنین نقش مهمی در افزایش رضایت معلمان دارد.

برای بهبود کیفیت آموزش در ایران، سیاست‌گذاران و مدیران باید رسیدگی به دغدغه‌های معلمان، بهبود شرایط کاری و فراهم کردن فرصت‌های فراوان برای رشد حرفه‌ای را در

اولویت قرار دهند. ایران با ارزش گذاری و حمایت از معلمان می تواند آینده روشن تری را برای دانش آموزان خود و سیستم آموزشی قوی تر تضمین کند.

پرداختن به کلیشه ها و پیشداوری ها

معلمان با انتقال دانش، ارزش ها و مهارت ها به نسل جوان، نقشی محوری در شکل دادن به آینده هر ملت ایفا می کنند. مشارکت آنها در جامعه بی اندازه است، با این حال، متأسفانه، آنها اغلب با چالش هایی مانند کلیشه ها و پیشداوری هایی مواجه هستند که مانع رشد و اثربخشی حرفه ای آنها می شود. این بخش به بررسی بافت ایران می پردازد، کلیشه ها و پیشداوری هایی را که معلمان با آن مواجه می شوند روشن می کند و بینش هایی را در مورد چگونگی پرداختن به این مسائل ارائه می دهد. با درک اهمیت ارزش گذاری معلمان و پرداختن به این چالش ها، مربیان و مدیران می توانند یک سیستم آموزشی عادلانه تر و مؤثرتر را پرورش دهند.

کلیشه ها و تعصبات علیه معلمان در ایران ریشه عمیقی در عوامل تاریخی، فرهنگی و اجتماعی دارد. از لحاظ تاریخی، معلمی به عنوان یک حرفه کمتر ارزش گذاری شده است و این تصور تا دوران مدرن باقی مانده است (اصلائی، ۱۳۹۵، ص ۴۵). معلمان اغلب به عنوان پست تر از سایر حرفه ها دیده می شوند که نتیجه آن عدم احترام و موقعیت اجتماعی پایین تر است. این کلیشه ها پیامدهای قابل توجهی بر روحیه و انگیزه معلم دارند و در نهایت بر کیفیت آموزش در کشور تأثیر می گذارند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۶۲).

عوامل فرهنگی نیز در ایجاد کلیشه ها و تعصبات علیه معلمان در ایران نقش دارند. ساختار سلسله مراتبی سنتی جامعه ایرانی، معلمان را در موقعیتی فرعی قرار می دهد و این ایده را تقویت می کند که تدریس شغلی با جایگاه پایین تر است (صالحی و باقری، ۱۳۹۶، ص ۷۸). علاوه بر این، هنجارهای فرهنگی حاکم که مشاغل دیگر را بر معلمی اولویت می دهد، بی ارزشی مربیان را تداوم می بخشد (محمدی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۵).

کلیشه‌ها و تعصبات نسبت به معلمان در ایران محدود به برداشت‌های اجتماعی نیست. آنها همچنین در خود سیستم آموزشی ظاهر می‌شوند. اعمال تبعیض آمیز، مانند حقوق کمتر برای معلمان در مقایسه با سایر مشاغلی که به مدارک مشابه نیاز دارند، امری عادی است (رسولی، ۲۰۲۰، ص ۱۵۴). این سیاست‌های تبعیض آمیز نه تنها امنیت مالی معلمان را تضعیف می‌کند، بلکه این پیام را می‌فرستد که کمک‌های آنها ارزش کمتری دارد.

رسانه‌ها نقش بسزایی در تداوم کلیشه‌ها و تعصبات علیه معلمان در ایران دارند. نمایش‌های تلویزیونی، فیلم‌ها و رسانه‌های خبری اغلب معلمان را با دیدی منفی به تصویر می‌کشند و تعصبات موجود را تقویت می‌کنند. به عنوان مثال، معلمان غالباً به عنوان ناکارآمد، بی تفاوت یا فاسد به تصویر کشیده می‌شوند (سلطانی و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۲۲۳). چنین تصویرهایی نه تنها اعتماد عمومی به مربیان را از بین می‌برد، بلکه افراد بالقوه را از پیگیری تدریس به عنوان شغل منصرف می‌کند.

علاوه بر تصویرهای تخیلی، پوشش رسانه‌ای اعتصابات کارگری و اعتراضات معلمان نیز می‌تواند جانبدارانه باشد. چارچوب‌بندی منفی این رویدادها می‌تواند بیش از پیش به معلمان و خواسته‌های آنها برای برخورد عادلانه انگ شود (حسینی و آقازمانی، ۱۳۹۷، ص ۸۹). از آنجایی که رسانه‌ها منابع قدرتمند اطلاعات و شکل‌گیری افکار هستند، پرداختن به نقشی که در شکل دادن به برداشت عمومی از معلمان ایفا می‌کنند ضروری است.

پرداختن به کلیشه‌ها و تعصبات علیه معلمان در ایران نیازمند رویکردی چند وجهی است که ذینفعان مختلف از جمله دولت، مؤسسات آموزشی و سازمان‌های جامعه مدنی را در بر می‌گیرد.

آموزش معلمان و توسعه حرفه‌ای: ارائه فرصت‌های آموزشی و توسعه حرفه‌ای به معلمان می‌تواند به مبارزه با کلیشه‌های منفی کمک کند. زمانی که معلمان به خوبی آماده شده و به طور مستمر مهارت‌های خود را بهبود می‌بخشند، به احتمال زیاد به